

کتاب شناسی مناقب و فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در آثار اهل سنت^۱

خلیل بن احمد فرامیدی در صدر لغویون و ادبای تاریخ عرب است و سنی ها به او زیاد استناد می کنند و او از افتخار شیعه است. به او گفتند در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام چیزی بگو، گفت: چه بگویم درباره کسی که دشمنان، فضائل او را از سر حسد انکار کردند و دوستان از سر خوف کتمان کردند و در بین این انکار و کتمان مناقبی نوشته و بیان شد که جهان را پر کرده است. ظَهَرَ مِنْ مَّا بَيْنَ الْكُتْمَانِينَ مَا مَلَأَتْ خَانِقِينَ.

در کنار این دو انکار و کتمان یک کتمان هم از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که چون مردم ظرفیت ندارند رسول خدا از بیان برخی فضائل مولا صرف نظر می کنند.

کتاب در فضائل اهل بیت و خصوصاً فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار است؛ اهل سنت کتاب های حادی مناقب و فضائل اهل بیت علیهم السلام را خصائص مینامند. یکی از قدیمی ترین این ها کتاب «احمد بن شعیب نسائی» است به نام الخصائص که او را پیروان مکتب خلفا به جرم نقل فضائل مولا علی بن ابی طالب کشتند.

همچنین با عنوان «مناقب» هم کتاب در میان پیروان مکتب خلفا بسیار نوشته شده است که از جمله معروف ترین های آن: المناقب ابن مغزلی از دانشمندان بزرگ شافعی در قرن ۵ است که چند قرن از این کتاب نسخه ای نبود و مرحوم علامه ی امینی به اشتیاق یافتن این کتاب سفرهای مکرر رفته و نیافته بود؛ بعد از رحلت ایشان یکی از گویندگان شیعه سفری به سوریه داشته و می بیند یک مرد یمنی تعدادی نسخه خطی گذاشته در یک پارچه ای و در بازار می فروشد؛ این فرد همه آن ها را می خرد و بعد معلوم می شود تنها نسخه خطی این

^۱ - برگرفته از کتاب منتشر نشده ی «امامت امامیه»؛ به قلم سیدمحمد خردمند.

کتاب در دنیا در این مجموعه بوده است. این بنده ی خدا این کتاب ارزنده را به آیت الله نجفی مرعشی می دهد؛ آقای نجفی هم برای این که این اگر اتفاقی افتاد کتاب از بین نرود، دستور می دهند هزار تا از این کتاب کپی کنند تا بعد که با طی مراحل لازم چاپ می شود.

از جمله دیگر کتب مناقب، «المناقب خوارزمی» است؛ از حنفی های قرن ۶. همچنین کتاب «کفایه الطالب فی مناقب سیدنا علی بن ابی طالب» اثر حافظ گنجی شافعی از بزرگان اهل سنت در قرن ۷ که او هم به جهت نقل فضائل امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دست اهل سنت کشته شد. کتاب «البيان فی اخبار الصحاب الزمان» نیز از آثار دیگر این شخص است.

کتاب دیگر در فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام «فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین» اثر شیخ الاسلام حموبنی است که می گویند اواخر عمرش شیعه شده است؛ اگر کسی نداند نویسنده در زمان نوشتن کتاب سنی بوده از خواندن کتاب نمیفهمد!

کتاب مهم دیگر «تاریخ مدینه دمشق» اثر ابن عساکر از اهالی شام است؛ شامی ها تا همین الان هم دلسپرده ی بنی امیه هستند اما او در این کتاب ۸۰ جلدی که کوشیده همه ی حوادث دمشق را بنویسد در نقل ورود کاروان اسرای کربلا وارد نقل فضائل اهل بیت علیهم السلام شده است و راجع به امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهما السلام هر کدام یک جلد نوشته است.

کتاب دیگر «تذکره الخواص الامه» اثر سبط بن جوزی، نوه ی ابن جوزی مشهور است.

در کتاب ارزشمند «شبهای پیشاور» مطلبی در ارتباط با این بحث آورده شده که نقل آن در این جا مناسب به نظر می رسد؛ نویسنده ی کتاب در مقام پاسخ به عالم سنی مذهب می گویند:

این که فرمودید آیات قرآنی را ما (شیعیان) در شأن مولانا امیر المؤمنین وارد نمودیم، خلط مبحث عجیبی نمودید. مگر چشم بندی هم می شود! در تمام تفاسیر بزرگ و کتب معتبر خودتان آیات کثیره ای از قرآن مجید

را که در شأن مولانا امیر المؤمنین نازل شده نقل نموده‌اند، نه اختصاص به ما داشته باشد. آیا حافظ ابو نعیم اصفهانی «ما نزل من القرآن فی علی» و حافظ ابوبکر شیرازی «نزل القرآن فی علی» را که استقلالاً نوشته‌اند شیعه بوده‌اند؟ آیا سایر مفسرین بزرگ مانند ثعلبی و جلال الدین سیوطی و طبری و فخر رازی و اکابر معلمایی مانند ابن کثیر و حتی ابن حجر متعصب در «صواعق» آیات قرآنی‌های که در شأن آن حضرت نازل گردیده ضبط نموده‌اند، شیعه بودند؟ بعضی از علماء مانند طبرانی و محمد بن یوسف گنجی شافعی در اول باب ۶۲ مسنداً از ابن عباس و محدث شام در تاریخ کبیر خود و دیگران که تا سیصد آیه از قرآن را در باره آن حضرت ثبت نموده‌اند شیعه بوده‌اند، یا از اکابر علماء و پیشوایان شما بوده‌اند.

خوب است آقایان با تأمل و تفکر بیان نمایند تا موجب ندامت و پشیمانی نگردد.

ما در اثبات مقام مولانا امیر المؤمنین احتیاجی به جعل و وضع نداریم که به زور، آیه‌ای را در باره ی آن حضرت نقل نماییم؛ مقام آن حضرت «کالشمس فی رابعه النهار» ظاهر و هویدا است. آفتاب درخشنده است و خورشید زیر ابر نمی‌ماند.

محمد بن ادريس شافعی گوید: من تعجب می‌کنم از حال علی چه آن که دشمنان آن حضرت (از امویها و نواصب و خوارج) از بغض و کینه فضائل آن حضرت را نقل نمی‌کنند، دوستان هم از ترس و تقیه خودداری از ذکر مناقب می‌نمایند. مع ذلک تمام کتاب‌ها پر است از فضایل و مناقب آن حضرت که نقل تمام مجالس است.